

کجا

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه اول خرداد ۱۴۰۳ – ۱۲ ذی‌العقده ۱۴۴۵
سال بیست‌وششم - شماره ۷۰۳۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

سیدالشهدای خدمت

از خادم الرضا تا خادم جمهور

خادم الرضای عزیز ما، مجاهد باکفایت و خستگی ناپذیری بود که در خدمت به مردم آرام و قرار نداشت و سرانجام در مسیر خدمت به مردم به ملکوت اعلیٰ پرکشید. صفت «سیدالشهدای خدمت»، عصاره و خلاصه اوصاف و فضائل بی‌شمار خادم و حامی محرومان است | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

داود عامری

برای دوست دیپلماتم

شهید حسین امیر عبداللهیان، شخصیتی آرام داشت. در سخت‌ترین شرایط، به خصوص وقتی که می‌خواست تصمیم مهمی بگیرد، اولین کاری که انجام می‌داد، حفظ آرامش و دور کردن ذهن خود از تشویش و آشفتگی بود | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

رئیس جمهور ابدی ایران!



مهدی مولایی
کارشناس فرهنگی

راستی مگر باستور نشین‌ها هم شهید می‌شوند؟ رئیس‌جمهورها مگر از این کارها هم بلدند؟ شوخی می‌کنید آقای رئیس‌جمهور؟ مگر بازی از این قرار نبود که هر از گاهی شما بیاید و کلمه‌های تان را پس‌وپیش بگویید و تپق بزنید و ما بگردیم و رسانه‌ها بازپخش کنند؟ مگر قرار نبود که «شش کلاس سواد» کذایی شما را دستمایه شوخی و تمسخر کنند و شما صورانه و متواضع باظرفیت، یاد مجلس دفاع رساله دکترا بیفتید و هیچ نگویید؟ زود دعای پیدا شوند برای توی شما را در طمع پوشیدن ردای مقامی بالاتر جلوه دهند و شما باز سر به زیر بگویید «من سرباز مقام‌معلم رهبری‌ام». مگر نه اینکه قرار بود هر وقت اسمی از امام‌رضا آوردید و خودتان را خادم خواندید، زود دعای پیدا شوند برای توی ذوق‌تان زدن به کنایه، که «بگذار یک امام‌رضا برای مردم بماند» و «لطفاً امام‌رضا ا جناحی نکنید؟» خب پس چه شد؟ اینها چه می‌گویند؟ چرا یکپو زبر میز زدید و شهید شدند؟ ناهگان؟ در روز ولادت امام‌رضا آن هم، بازی را توی خراب می‌کنید آقای رئیس‌جمهور؟ قرار است شخصیت شوی. دائمی تحریب‌ها باشیدی. قرار است ترور شخصیت شوی. قرار است تلاش کنند که اسم شما را در بین مردم کهرنگ کنند، کوچک کنند، حذف کنند، چرا یکپو به خط سرخ نستعلیق، پشت اسم‌تان واژه «شهید» نوشتند؟ چرا ناهگان ماندگار شدید؟

قرار نبود این طور شود که قرار بود اولین رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای ایران تان کنند، چرا رئیس‌جمهور ابدی شدید پس؟ راستی خدا یک‌جایی درباره ابراهیم می‌گوید که او از خدا خواسته «وجل لی لسان صدق فی‌الآخرین» که یاد و ذکر زبانی مرا در ذهن آیندگان انداز. و خدا در پاسخش می‌گوید «وجعلنا لهم لسان صدق علیاً» که ما نام‌ها و آوازها را بلند ساختیم، انکار که این دعای ابراهیم، دعای شما هم بوده آقای رئیس‌جمهور. که در میان تلاش جناح‌ها در کوچک و ناکارآمد و کم‌سواد و مردم‌فریب جلوه دادن‌های‌شان، پررغم مدعیانی که منع عشق کنند، نام شما بلندآوازه در تاریخ قرار گرفت. و انکار که این پاسخ خدا، پاسخ به شما نیز هست که نام تو را برای آیندگان بلند و رفیع ساختیم، شما مانند ای آقای رئیس‌.

گاه خدا صداقت و راستی بنده‌های مظلومش را به مرگی عیان و سرخ، بر همگان ثابت می‌کند. گاه علی را در محراب شهید می‌کند تا صدق ایمان او را در میان «مگر علی نماز می‌خواند»‌ها نشان دهد. گاه با شهادت بهشتی، مظلومیت بنده‌اش را در سیل شابعات و تهمت‌های عیان می‌کند و گاه به مرگی چنین سرخ در لحظه خدمت در روز ولادت امام‌رضا، مهر تأییدی بر صدق رفتار و گفتار بنده‌اش می‌کوبد. شما مانند یوا و انبیا که به تهمت و طعنه زخم‌تان زدند، رفتند. و آوینی چه خوب گفته بود: پندار ما این است که ما مانند‌ایم و شهدا رفعتانند، اما حقیقت آن است که زمان ما را با خود برده است و شهدا مانند‌اند!

برای او که

«امام شنبه» لقب یافت



محمدرضا کالیپن
دبیر گروه تاریخ

انقلاب اسلامی در تبریز چالش‌ها و حساسیت‌ها بی‌شمار داشت که در دیگر شهرها نمی‌شد از آن سرگرم گرفت. وجود مرجعیتی منتسب به این شهر که با مبارزان میانه‌ای نداشت، کار را بر

آنان دشوار ساخته بود. در این میان چهره‌هایی ظاهر شدند که به رغم خطورت شرایط، در مسیر انقلاب و نظام اسلامی طریق گشایی کردند. شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبائی، شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی، آیت‌الله میرزا مسلم ملکوتی و آیت‌الله سیدمحمدتقی آل‌هاشم، در این زمره بودند. شهید آیت‌الله سید محمدعلی آل‌هاشم، نخست در محضر پدری نشوونما یافت، که همچنان نمادی از اخلاق و معنویت قلمداد می‌شود. او همچنین در دوران جوانی، با نخبگان سید محمدحسین شهریار در زمره آنان بود. او مدت‌های مدید در تبریز و تهران، بی‌ظاهر خدمت دولتی و از گمان‌ها با امید به حتمی کوچک‌ترین درس خارج رهبر انقلاب شرکت جست. آل‌هاشم اما از آنگاه درخشیدنی افزون آغازید، که از سال ۱۳۹۶ - به نمایندگی ولی‌فقیه و امامت‌جمعه تبریز برگزیده شد. او به مدد بستری خانوادگی و خلق‌و‌خوی مهربان و روادار شخصی و اجتماعی، الگویی جدید از ارتباط امام جمعه با بدنه اجتماعی ارائه داد. پس از مدت کوتاهی نه تنها تبریزیان که بخش زیادی از مردم سراسر کشور، او را «امام شنبه» نام نهادند! کسی که تنها جمعه برای او روز نقش‌آفرینی نبود، بلکه تازه کارش از شنبه‌ها آغاز می‌شد. از مرادوده صمیمانه با پیر و جوان و اقشار گوناگون مردم گرفته، تا حضور در جلسات دولتی و از گمان‌ها با امید به حتمی کوچک‌ترین گره‌گشایی از مردم. شریک شادای و غم‌خلاق بود و به عنوان نمونه، این را می‌شد در حضورش در استادیوم یادگار امام، در حمایت از تیم محبوب آذری‌ها به نظاره نشست. قریب به دو ماه پیش، رأی بی‌سابقه آذربایجان شرقی به وی در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، نشان داد که امام جمعه تا کجا می‌تواند محبوب و مورد اقبال یک خطه قرار گیرد.

بعداظهر روز یک‌شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۴۰۳، آل‌هاشم برای همیشه در مردم تبریز خداحافظی کرد، اما مردمان آن خطه تا سال‌ها و حتی دهه‌ها به بهانه‌های مختلف، او را به یاد خواهند آورد! او به جاودانگی پیوسته است، هم از این روی بهتر است تا کلام خود را تصحیح کنم: او برای همواره در میان مردم حضور خواهد داشت.

یادداشت

دیپلمات انقلابی عملگر



علی قنای
دبیر گروه بین‌الملل

چیزی که برخی «انقلابی‌گری عملگراییانه» نامیده‌اند، در دوره حسین امیرعبداللهیان به پختگی و بلوغ رسید و در شخصیت او بروز و ظهور کرد. امیر عبداللهیان را باید تجلی‌فهم این گزاره کلیدی دانست که سیاست خارجی مداوم سیاست داخلی است و هم‌اوه، در هیئت یک دیپلمات انقلابی ولی عملگر، توانست بین این دو ساحت پل بزند

و سیاست خارجی خود را با چالش کمتری از اسلافش پیش‌برد. مناسبات دوستانه و البته شرافتمندانه او با قریب به اتفاق کسانی که منتقد سیاست خارجی‌اش بودند، مانع این شد که مقابلش زبان طعن و تمسخر بگشایند و امیر عبداللهیان نیز این را نیک می‌دانست که خط فرمز دیپلماسی، وارد کردن سیاست خارجی به حواشی سیاست داخلی است. سیاست همسایگی در دوره تصدی او به بلوغ رسید و نگاه به شرق، در صادرات او از شعار عملیاتی شد، هر چند نباید قدرت اقتناع گری وزیر خارجه‌ای بود که در کمی کرد، الزامات سیاست همسایگی، از سیاست‌گذاری در سطوح دیگر متفاوت است و همین فهم بود که در اوج تاریخی بدبینی تهران - باکو، نه فقط دیپلماسی را متوقف کرد، بلکه آن را به بالاترین سطوح سیاسی کشاند. توافق برای ازسرگیری مناسبات با عربستان با وجود تنش سال‌های اخیر، نمونه دیگری از درک مناسب از الزامات سیاست خارجی بود.

اوج انقلابی‌گری سیاست خارجی که امیر عبداللهیان به خوبی آن را پرآگاهی‌سیم در هم آمیخت، در سمت‌وسوی سیاست خارجی ایران در برخورد با محور مقاومت ظهور کرد. نقش او، به عنوان بلندپایه‌ترین کارگزار سیاست خارجی در اوج‌گیری مقاومت به یک محور هماهنگ و یکپارچه، از موارد قابل‌بررسی است. در فاصله هشت‌ماه‌بعد از عملیات فتنم‌اکتبر حماس علیه رژیم صهیونیستی، مقاومت از لبنان گرفته تا فلسطین و از جولان سوریه و عراق، تا یمن، به سازمان‌یافته‌ترین و سامان‌یافته‌ترین وضعیت خود رسید. جنبه عملگراییانه‌تر سیاست خارجی که امیر عبداللهیان توانست آن را به خوبی اجرا کند، تمرکز روی «چرخش ایران به سمت آسیا» بود. او جایگاه اروپا و غرب در معادلات بین‌المللی را می‌دانست، و از همین رو به لغاطی با آنان خونگرفت ولی سیاست خارجی او، از تغییر در تقاضای قدرت جهانی هم آگاه بود. نزدیکی استراتژیک بیشتر به ناپه‌توسعه اقتصادی چین، به خصوص چین، در کنار نزدیکی و عضویت در ساختارهای چندجانبه آلترناتیو جهانی مانند بریکس و شانگهای و ابتکار کمربند و جاده چین، در دوره وزیر خارجه دولت سیزدهم، بیش از هر موقع دیگری عملیاتی شد. عملگرایی سیاست خارجی رئیس‌جمهور در فاصله گرفتن او و وزیر خارجه شهیدش ظهور یافت؛ و این همان حلقه مفقوده‌ای است که «زمان باید بگذرد» تا بلکه غبار گرانی مسکن و مواد غذایی از بین برود و مردم طعم کارهای اساسی را بچشند. در چنین وضعی متولی مسکن باید یک فکر جدی و عاجل کند تا دین‌بخری خواب‌های پریشان!

حال، خردادی دیگر است و جدوجهدی مجدد برای الزام‌ساربان جدید در همان مسیر «توجه به محرومان و مستضعفان و طبقات پایین جامعه». اما این بار بدون حضور فیزیکی شهید سیدابراهیم رئیس‌.

یادداشت

کاشته‌های خادم جمهور



وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

بهار ۱۴۰۰ برای پیروزی‌اش در کارزار انتخاباتات جدوجهد کردیم، چرا؟! چون آمده بود با کمک همه مردم ایران و در طلایع گام دوم، «دولتی مردمی برای ایرانی قوی» تشکیل دهد؛ دولتی که توجه به محرومان و مستضعفان و طبقات پایین جامعه از مهم‌ترین اولویات‌هایش باشد و اجازه ندهد عزت، شرافت و کرامت آنها خدشه‌دار شود. نه از مراسم تحلیف روز پنج‌شنبه ۱۴ مرداد، بلکه از همان ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ آستین‌ها را بالا زد و در همین مسیر طی طریق کرد تا جایی که ۰۳ روز بعد، معادل دوسال‌ودوماه ۱۱ روز، مورد تقدیر و تمجید رهبر حکیم انقلاب قرار گرفت؛ «آنچه تا امروز در این دو ساله که این دولت بر سر کار بوده از عملکرد دولت مشاهده کرده‌ایم، مستوجب این است که ما تقدیر کنیم و تمجید کنیم از دولت.»

ولی آیا کاستی نبود؟ حتماً بود، اما آنچه مهم است مسیر پیش‌رو بود که طبقات پایین جامعه در اولویت قرار داشتند و ریافت کلی دولت با توجه به این نواختند و در تلاش بودند به مسیری بروند که با روح حاکم بر برنامه‌های اعلامی توفیر داشت و همین زمینه برخی ناخوشی‌ها را رقم زده بود. افزایش ۵۷ درصدی حقوق کارگران از جمله محصول همین جدوجهدها بود که از سوی برخی طیف‌ها تخطئه و متوقف شد. با این حال تلاش و کوشش برای رشد اقتصادی پایدار و تضمین کسب و کارهای ناخدا یا بخدای اقتصاد کلان، رشد را نشان می‌دهد، پیشرفت را نشان می‌دهد، تغییرات مثبت را نشان می‌دهد، البته تا مسائل مربوط به اقتصاد کلان برسد، به معیشت مردم و زندگی مردم، یک مقداری فاصله‌وجود دارد، یعنی زمان باید بگذرد.»

زمان! اما اجازه نداد ثمره آنچه را کاشته بود، ببینند، ولی مهم این است که مردم آنها را درو خواهند کرد. مثل آورده‌های «افزایش رشد سرمایه‌گذاری»، «کاهش رشد تولید»، «کاهش بیکاری»، «کاهش ضریب جینی»، «رشد قابل توجه صادرات کالا»، «تقویت نظام مالیاتی»، «اراندازی کارگاه‌های تعطیل‌شده یا نیمه‌تعطیل» و «برابری با شبکه‌های آبیاری و زهکشی» البته نمی‌توان از «رکورد شکنی در درآمدهای ارزی»، چشم پوشید، به طوری که رشد اقتصادی پایدار و جریان‌رزی با تکیه بر بازطراحی تجارت انرژی زمینه‌ساز ایران با تکیه بر سیاست‌های جدید رشد و هوشمندانه‌انداخته‌شده زمینه‌ساز درآمدهای ارزی کشور فراهم کرده است.

به گواه همسین کاربلدهای اقتصاد، رویکرد راهبردی رئیس‌جمهور فقید دولت سیزدهم، در ختنی‌سازی تحریم‌ها چندوجهی و جامع بود چرا که ایران‌مان با تمرکز بر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی، ارتقای تولید داخلی و پیگیری تلاش‌های دیپلماتیک، توانست تأثیر تحریم‌ها را کاهش دهد و ثبات اقتصادی را تضمین کند. این رویکرد راهبردی نه تنها به کشورمان اجازه داد طوفان تحریم‌های تشدیدشده عمر بسیار‌چام را پشت سر بگذارد، بلکه آن را برای رشد و شکوفایی آینده قرار دهد، البته بدیهی است تا زمانی که این آورده‌ها سفره مردم آورده نشود، برکات آن احساس نمی‌شود و این همان حلقه مفقوده‌ای است که «زمان باید بگذرد» تا بلکه غبار گرانی مسکن و مواد غذایی از بین برود و مردم طعم کارهای اساسی را بچشند. در چنین وضعی متولی مسکن باید یک فکر جدی و عاجل کند تا دین‌بخری خواب‌های پریشان!

حال، خردادی دیگر است و جدوجهدی مجدد برای الزام‌ساربان جدید در همان مسیر «توجه به محرومان و مستضعفان و طبقات پایین جامعه». اما این بار بدون حضور فیزیکی شهید سیدابراهیم رئیس‌.

عزیز ملت و باصفا بودی

شهادت

پاداش رئیس‌جمهور جهادی شد

رهبر معظم انقلاب: رئیس‌وزیر عزیز خستگی نمی‌شناخت. در این حادثه تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و باارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت. از این رو از درگی‌هایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه‌روزی‌اش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی‌شد. در این حادثه سنگین شخصیت‌های برجسته‌ای مانند حجت‌الاسلام آل‌هاشم امام جمعه محبوب و معتبر تبریز، جناب آقای امیر عبداللهیان وزیر خارجه مجاهد و فعال، جناب آقای مالک رحمتی استاندار انقلابی و متدین آذربایجان شرقی و گروه پروازی و دیگر همراهان نیز به رحمت الهی پیوستند. من هر روز عزای عمومی اعلام می‌کنم | صفحه ۲



سیدمهدی موسوی



محسن دریانوش



سید طاهر مصطفوی



بهروز قدیمی



عزای همسایگان، تسلیت جهان

صفحه ۱۵

یادداشت

ایران پس از شهید رئیس‌وزیر به عقب باز نمی‌گردد

إِنَّمَا لَأَتَلَمَّسَ مِنْهُ الْآخِرَ! این را نه فقط دوستانتش، که حتی منتقدان و مخالفان سیاسی و فرهنگی‌اش هم از سرگاه دیروز تصریح کردند: از همان هنگام که خبر آمد «وضعیت خوب نیست». «سید عزیز شهید» حالا دیگر حتماً تا همیشه محور وحدت ایرانیان شده است.

باور پذیر نیست؛ همین‌الآن هم که تلویزیون تصاویر او را پخش می‌کند، انگار رئیس‌جمهور به یک مسافر کاری رفته است. در ذهن‌ها

نمی‌تجد. قلب‌ها آکنده از درد است. محبت سید بعد از شهادتش از اندرونی‌ها بیرون آمده است. حتی آنها هم که در مناظرات انتخاباتی با متکبر پراکنی این سید شهید را نوازش می‌کردند، اکنون ناراحتند، عمیقاً ناراحتند. همه اینها خاصیت کار برای خداست. کار خالصانه عزت‌بخش است. اصلاً این حدیث روایت شده از علی‌بن موسی‌الرضا در «عیون‌اخبار‌الرضا» است که «به کار بستن عدالت و نیکوکاری، خیر از دوام نعمت می‌دهد.»

نعمت سید شهید، ابراهیم رئیس‌وزیر، بسان همه شهدا، حال علی‌الدوام است. اثرات مثبت عدالت‌محور و مرام‌نیکو کارانه خادم‌الرضا، دیگر از تاریخ ایران اسلامی حذف‌شدنی نیست.

دغدغه مردم، اخلاق‌مداری، ادب حکمرانی، تحول‌خواهی و جوان‌گرایی، از رئیس‌شخصیتی ساخته است که اکنون او را هرمدیف شهیدان رجبی و بهشتی قلمداد می‌کنند. در همین مدت کم ریاست‌جمهوری، ثابت کرد می‌توان کارهای بزرگ کرد بدون آنکه اسیر حاشیه‌شد. هم گفت و هم در عمل ثابت کرد که حرکت در مسیر ولایت، هم به بنسخت‌های ظاهری را می‌شکافد و هم عزت‌آفرین است. فقط یک نمونه از این ادعای ثابت‌شده

دغدغه مردم، اخلاق‌مداری، ادب حکمرانی، تحول‌خواهی و جوان‌گرایی، از رئیس‌شخصیتی ساخته است که اکنون او را هرمدیف شهیدان رجبی و بهشتی قلمداد می‌کنند. در همین مدت کم ریاست‌جمهوری، ثابت کرد می‌توان کارهای بزرگ کرد بدون آنکه اسیر حاشیه‌شد. هم گفت و هم در عمل ثابت کرد که حرکت در مسیر ولایت، هم به بنسخت‌های ظاهری را می‌شکافد و هم عزت‌آفرین است. فقط یک نمونه از این ادعای ثابت‌شده

دغدغه مردم، اخلاق‌مداری، ادب حکمرانی، تحول‌خواهی و جوان‌گرایی، از رئیس‌شخصیتی ساخته است که اکنون او را هرمدیف شهیدان رجبی و بهشتی قلمداد می‌کنند. در همین مدت کم ریاست‌جمهوری، ثابت کرد می‌توان کارهای بزرگ کرد بدون آنکه اسیر حاشیه‌شد. هم گفت و هم در عمل ثابت کرد که حرکت در مسیر ولایت، هم به بنسخت‌های ظاهری را می‌شکافد و هم عزت‌آفرین است. فقط یک نمونه از این ادعای ثابت‌شده

دغدغه مردم، اخلاق‌مداری، ادب حکمرانی، تحول‌خواهی و جوان‌گرایی، از رئیس‌شخصیتی ساخته است که اکنون او را هرمدیف شهیدان رجبی و بهشتی قلمداد می‌کنند. در همین مدت کم ریاست‌جمهوری، ثابت کرد می‌توان کارهای بزرگ کرد بدون آنکه اسیر حاشیه‌شد. هم گفت و هم در عمل ثابت کرد که حرکت در مسیر ولایت، هم به بنسخت‌های ظاهری را می‌شکافد و هم عزت‌آفرین است. فقط یک نمونه از این ادعای ثابت‌شده



محمدصادق صفوری
دبیر گروه اجتماعی